

پژوهشی درمناجاتهای صادره از كَلِكِ اطهر جمال اقدس ایهی

دکتر منوچهر سلمان پور

کلمه الله راهنمای انجمن بنی آدم است از برای نیل به مدارج ترقی و تعالی و کسب رضای الهی و تخلق به اخلاق رحمانی و تقرب به ذرّوه کمال و مَکَمَن قُرب و لقاء چنانچه میفرماید
قوله الکریم :

" مقصود از افرینش عرفان حق و لقای آن بوده و خواهد بود چنانچه در جمیع کتب الهیه و صُحُف مُتَقَنَهُ رَبَّانیه مِنْ غَیْرِ حِجَابِ این مطلب اِحْلَی و مقصد اعلیٰ مذکور و واضح است و هر نفسی که بآن صبح هدایت و فجر احدیت فائز شد بمقام قُرب و وَصَل که اصل جَنّت و اعلیٰ الجَنان است فائز گردید و بمقام قَابِ قَوْسَین که وَرَایِ سدره منتهی است وارد شد و الآ در امکنه بعد که اصل نار و حقیقتِ نَفی است ساکن بوده و خواهد بود. " (۱)

و همچنین میفرماید قوله العظیم :

" هَذَا یَوْمَ فِیهِ یُسْقِی الْمُخْلِصُونَ کَوَثَرَ اللُّقَاءِ و الْمُقَرَّبُونَ سَلَسَبِیلَ الْقُرْبِ و الْبَقَاءِ و الْمُوَحِّدُونَ خَمَرَ الْوِضَالِ فِی هَذَا الْمَالِ الَّذِی فِیهِ یَنْطَقُ لِسانُ الْعَظَمَةِ و الْاِجْلَالِ الْمَلِکُ لِنَفْسِی وَ اَنَا الْمَالِکُ بِالِاسْتِحْقَاقِ (۲)

و ایضا میفرماید قوله الرحمن: " تِلْکَ آیَاتُ الْقُدْسِ نَزَّلَتْ بِالْحَقِّ مِنْ سَحَابِ فَضْلِ بَدِیعاً وَ بِهَا تُطَهَّرُ أَفئِدَةُ الْعِبَادِ عَنِ دَنَسِ النَّفْسِ وَ الْهَوَى وَ یَشْرَبْنَ عَنْ کُأْسِ الَّتِی کَانَتْ مِزَاجِهَا نِکْرُ مَحْبُوبٍ وَ حَبِیباً. (۲)

کلمه الهیه به اشکال مختلفه و صُور متنوعه به اهل عالم عنایت گردیده و در این آئین یزدانی به فطرت کلی و به السنه فارسی و عربی نازل شده و توقیعات مبارکه حضرت ولی امر الله نیز مُضَافاً به لغت انکلیسی شرف صدور یافته تاجهانیان به أَحْسَن وجه از اوامر

و نصائح مشفقانه ملکوتیه تمتع برند و به آنچه رضای خاطر اوست عمل نمایند. اینست که جمال الهی میفرماید قوله جَلَّ جَلَّاهُ :

"كَلِمَةُ الْهَيْ بِمَثَابَةِ نَهَالِيسْت، مَقَرَّ و مُسْتَقَرَّشْ أَفْنُدُهُ عِبَادٌ" (٤) و ایضا میفرماید قَوْلُهُ الْعَلِيمِ: "كُلَّمَا يَخْرُجُ مِنْ فَمِهِ أَنَّهُ لَمْ يَخْطِ الْأَيْدَانَ لَوْ أَنْتُمْ مِنَ الْعَارِفِينَ . كَلَّمَا أَنْتُمْ تَشْهَدُونَ فِي الْأَرْضِ أَنَّهُ قَدْ ظَهَرَ بِأَمْرِهِ الْعَالِي الْمُتَعَالِي الْمُحْكَمِ الْبَدِيعِ . (٥)

کلمه الله در متون الواح مقدسه و ادعیه مبارکه و احکام و مبادی سامیه نازل گردیده و چون مهر تابان قلوب خادمان عتبه مطهره را روشن و منیر ساخته و آنرا در سبیل وصول بمقصد غائی که تنزیه و تقدیس و تقوی و عبودیت و رقیبت و محبت و اخوت عمومی است هادی و رهنمون میباشد.

حضرت بهاءالله اطاعت و انقیاد و تشبث به ذیل کلمه الله را از لوازم ضروریه و اسباب حتمیه ترقی و تکامل تعیین فرموده اند . قوله الرحیم:

"کتاب الهی ظاهر و کلمه ناطق و لکن نفوسیکه باو متمسک و سبب و علت انتشار گردند مشاهده نمیشود الا قلیل و آن قلیل اکسیر اَحْمَر است از برای نحاس عالم و دریاق اکبر از برای صحت بنی آدم." (٦).

فرائض و احکام و حدود و تعالیم کل در بَطُونِ آیات بینات نازل و کتاب مستطاب اقدس امّ الکتاب شرع قویم متضمن قوانین اساسیه چون نماز و روزه و نکاح و طلاق و کفن و دفن و ارث و غیره میباشد و سائر تعالیم سماویه و تفاسیر منصوصه و تفصیل اصلیه در متون الواح مبارکه از قلم شارح کریم وارد و مسطور و تبیینات مربوطه نیز جمیعا در الواح حضرت مولی الوری و توقیعات مبارکه حضرت ولی امرالله مندرج و مذکور و تشریحات غیر منصوصه به دیوان عدل اعظم الهی مرجوع گردیده است. اهل بها ازچنین بحر زخّاری متمتع و بهره بردارند و از طَنَطام هدایتهای بدیعیه ربانیه مستفیض و برخوردار. جمالقدم جَلَّ اسْمُهُ الْاَعْظَمُ میفرماید قوله المستعان :

" مقصود از کتابهای آسمانی و آیات الهی آنکه مردمان برآستی و دانائی تربیت شوند که سبب راحت خود و بندگان شود. هر امری که قلب را راحت نماید و بر بزرگی انسان بیفزاید و ناس را راضی دارد مقبول خواهد بود. " (٧)

آنچه تا کنون راهنمای اهل بها در کسب معرفت و ارائه حقیقت در این سبیل بوده اغلب از متون الواح مقدسه استمداد گردیده و لکن تا کنون توجه دقیقی به ارشادات مندرجه در ادعیه

و اذکار مبارکه معطوف نگردیده است . شایسته بل لازم و واجب است اهل علم و دانش و فکر و اندیشه در این بحر بیکران غوطه زنند و بکشف لئالی هدایت و مسائل پراهمیت که حضرت ذوالجلال درمتون ادعیه و مناجاتهای مبارکه بودیعه گذارده همت گمارند و به بنی نوع انسان اهداء کنند زیرا تجلیات شمس حقیقت در جمیع آثار مقدسه مُشرق و لائح است .
میفرماید قوله المعین :

" بگو الیوم یوم اصفاست . بشنوید ندای مظلوم را . باسم حق ناطق باشید و بطراز نکرش مزین و بانوار حبش مستنیر . اینست مفتاح قلوب و صیقل وجود و الَّذِي غَفَلَ عَمَّا جَرَى مِنْ اِضْبَعِ الْاِرَادَةِ إِنَّهُ فِي غَفْلَةٍ مُبِينٍ . (۸)

و ایضا میفرماید قوله الخبیر : " اگر نفسی در کتب مُنزله از سماء احدیه بدیده بصیرت مشاهده نماید و تفکر کند ادراک مینماید که مقصود آنست جمیع نفوس نفس واحد مشاهده شوند تا در جمیع قلوب نقش خاتم " الْمَلِكُ لِلَّهِ " مُنطَبع شود و شمس عنایت و اشراقات انجم فضل و رحمت جمیع را احاطه نماید . " (۹)

حال بارانه چند فقره دراین زمینه مبادرت مینماید باشد که برگ سبزی از گلشن پرطراوت لاهوتی تقدیم دوستان رحمانی گردد .

نثار روی تو هر برگ گل که در چمنست فدای قد تو هر سرو بُن که بر لب جوست

فصل اول - وصف باری تعالی :

اگر بنظر دقیق بادعیه مبارکه توجه کنیم ملاحظه مینمائیم که ایسن آیات سبحانیه متضمن مسائل دقیقۀ بیشماري در میادین علم و حکمت و فلسفه و تعلیم و تربیت و شیم و اخلاق و فضائل روحانی و خصائل اجتماعی است . فی المثل در اکثر مناجاتهای مبارکه اغاز سخن با نعت و وصف باری تعالی است درحالیکه در ادعیه و الواح کثیره ثابت و مبرهن گردیده که بنده خاکی هرگز پی بمقامات عزّ الهی نبرد و وصف ذات خداوندی نتواند . باستشهادات ذیل از مناجاتهای مبارکه و الواح مقدسه اکتفا مینماید ، قوله العزیز :

" اِنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ . وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ . وَحَدَّكَ لَا شَیْبَةَ لَكَ . وَحَدَّكَ لَا نِدَّ لَكَ ، وَحَدَّكَ لَا ضِدَّ لَكَ ، لَمْ تَزَلْ كُنْتَ بَعْلُو اَرْتِفَاعِ قَبُومِيَّتِكَ مَقْدَسًا عَنْ ذِكْرِ مَا سِوَاكَ و لَا تَزَالُ تَكُونُ فِي سُمُو اَسْتِرْفَاعِ اَحْدِيَّتِكَ مُنْزَهًا عَنْ وَصْفِ مَا دُونِكَ . " (۱۰)

و همچنین میفرماید قوله المبین : " بر اولی العلم و افئده منیره واضح است که غیب
 هوپه و ذات احدیه مقدس از بروز و ظهور و صعود و نزول و دخول و خروج بوده و متعالی
 است از وصف هر و اصفی و ادراک هر مذرکی . لَمْ يَزَلْ در ذات خود غیب بوده و هست و لا
 يَزَالُ بکینونت خود مستور از ابصار و أنظار خواهد بود . " (۱۱)

با آنکه درک حضرت باری و نعت خداوندگاری از حیطة قدرت بشر خاکساز است و
 لیکن جمال اقدس ابهی این عجز و نقص را دلیل بر عدم ذکر و سپاس بشری نمیدانند و
 عباد را بشکر و ستایش پروردگار تاکید میفرمایند و حمد و ثنای انجمن بنی آدم را به
 اکلیل قبول مزین مینمایند چنانچه میفرماید قوله العزیز :
 " وَ لَكِنْ اَنْتَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي سَبَقَتْ مَلَكُوتَ مَلِكِ السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضِ قَبِلْتَ مِنْ عِبَادِكَ ذِكْرَهُمْ
 وَ ثَنَائِهِمْ نَفْسَكَ الْعُلْيَا وَ اَمَرْتَهُمْ بِذَلِكَ لِتَرْفَعَ بِهِ اَعْلَامَ هِدَايَتِكَ فِي بِلَادِكَ وَ تَنْتَشِرَ اَنْسَارُ
 رَحْمَانِيَّتِكَ فِي مَمْلَكَتِكَ . " (۱۲)

حال در وصف و نعت الهی بذکر دو فقره اکتفا مینماید. قوله المئان :

۱ - " شهادت میدهم که تو بوصف ممکنات معروف نشوی و باذکار موجودات موصوف
 نگردي . ادراکات عالم و عقول ام بساحت قدست علی ما ینبغی راه نیابد و پی نبرد . "
 (۱۳)

۲ - " سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي قَدْ اعْتَرَفَ عَبْدُكَ هَذَا بِأَنَّكَ لَا تُوصَفُ بِسِوَاكَ وَ لَا تُذَكَّرُ بِدُونِكَ،
 كُلَّمَا يَتَفَارَجُ أَهْلُ الْحَقِيقَةِ إِلَى سَمَاءِ ذِكْرِكَ لَا يَصِلْنَ إِلَّا إِلَى الْمَقَامِ الَّذِي خُلِقَ فِيهِ أَفئدَتِهِمْ
 بِأَمْرِكَ وَ تَقْدِيرِكَ. كَيْفَ يَقْدِرُ الْعَدَمُ أَنْ يَعْرِفَ الْقَدَمَ أَوْ يَصِفَهُ بِمَا يَنْبَغِي لِسُلْطَانِهِ وَ عَظَمَتِهِ وَ
 كِبَرِيَّائِهِ. لَا وَ نَفْسِكَ يَا مَالِكَ الْأَمَمِ، قَدْ شَهِدَ الْكُلُّ بِعَجْزِ نَفْسِهِ وَ اقْتِدَارِ نَفْسِكَ وَ دُنُوِّ ذَاتِهِ وَ
 عُلُوِّ ذَاتِكَ. (۱۴)

از دو مثال فوق الذکر چنین استنباط میگردد که باوجود آنکه جمال مبین در الواح عدیده
 کثیره از عدم امکان ادراک ذات غیب قدسی سخن رانده ولی در بیان عزت و ارتفاع
 مقامات لاهوتی و عجز بی منتهای بشری اِباء و امتناعی نداشته و حتی لسان باذعان و
 اعتراف گشوده و انرا بکرات و مرات ظاهر و عیان فرموده و در متون ادعیه و الواح
 خود مذکور و مسطور داشته است .

ما در این عالم ناسوت نیز روزانه با مسائل مشابهی مواجه می‌گردیم که مستلزم ادراک خطا و اذعان بعجز و قصور است. انطباق این رویه کریمه تاثیر بسزایی دارد. حقیقت خضوع و فنا و واقعیت بدایع خشوع و مدارا در روابط بشری و حیات جامعه انسانی باید این چنین ظاهر و عیان گردد.

فصل دوم - شفاعت :

در ادعیه و مناجاتهای متعدده کثیره مسئله شفاعت مورد توجه واقع گشته و بدان استناد شده است شفاعت مبتنی بر وجود افراد و اشیاء و اعمالیست که تشبث بذیل آن در محضر پروردگار عالمیان واسطه اجابت دعا و نزول برکات حیّ توانا می‌گردد. این مسئله مهمه در ادعیه نازله از یراعه عزّ احدیه خاصه به لسان عربی مشهود و هویدا است. جمالقدم و اسم اعظم در موارد مختلفه بطرق متفاوته فقره مذکوره را ملحوظ نظر قرارداده اند. گهی از اسم الهی شفاعت میطلبند و با وصف و نعت اسم حیّ غفار اجابت دعا را از درگاه حضرت پروردگار رجا مینمایند و گهی با نکر و قیایح و حوادث گوناگون که جنبه معنوی و روحانی دارد هطول امطار مواهب و الطاف سماوی را التجاء میفرمایند. نظری به استشهادات ذیل این مسئله را واضح و روشن میسازد. در آغاز بذکر چندمثال از مناجاتهای نازله از قلم معجز شیم جمال قدم جل اسمه الاعظم میپردازیم که دران شفاعت باسم الهی گردیده و وصف و نعت اسم حق نیز بمیان آمده است :

اولا - شفاعت به اسم حق :

۱ - " سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ قِيُومًا عَلَى الْأَسْمَاءِ وَبِهِ انْشَقَّ حِجَابُ السَّمَاءِ وَ أَشْرَقَ عَنْ أَفْقِهَا شَمْسُ جَمَالِكَ بِاسْمِكَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى بِأَنْ تَنْصُرَنِي بِبِدَائِعِ نَصْرِكَ ثُمَّ أَحَقِّظْنِي فِي كَنْفِ حِفْظِكَ وَ حِمَايَتِكَ . " (۱۵)

مضمون بیان مبارک چنین است: پاک و منزهی تو ای پروردگار من ، سؤال میکنم ترا به اسمت که قائم بر جمیع اسماء است و بدان اسم حجاب آسمان شکافته شده و آفتاب جمالت اسم علیّ اعلایت از افق ان تابیده مرا بدایع نصرتت منصور نمائی و در کنف حفظ و حمایتت محفوظ بداری. در این مثال شفاعت به اسم الهی گردیده است و توصیف اسم حق

نیز مذکور شده که بدین اسم مبارک حجاب اسمان شکافته شد و افتاب جمال سبحانی بدرخشید.

۲ - سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي اسئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي مِنْهُ تَمْوِجُ فِي كُلِّ قَطْرَةٍ بَحُورٍ رَحْمَتِكَ وَ
أَلطَافِكَ (۱۶)

در این آیه مبارکه شفاعت باسم خداوند تبارک و تعالی شده که از هر قطره آن دریاهاي رحمت و الطاف الهي بموج آمده است .

۲ - اسئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ ظَهَرَ الْكَنْزُ الْمَخزُونُ وَ الْاسْمُ الْمَكْنُونُ بِأَنْ تَجْعَلَنِي مُؤَيِّدًا لِإِظْهَارِ
أَمْرِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ... (۱۷) در این آیه مبارکه شفاعت باسم الهي گردیده که بدان اسم، گنج پوشیده و اسم پنهان اشکار شد...

۴ - اسئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ نَادَتْ السِّدْرَةَ وَ نَطَقَتْ الصَّخْرَةَ بِأَنْ تَنْصُرَ عِبَادَكَ الَّذِينَ أَقْبَلُوا
إِلَى أُنْفِكَ الْأَعْلَى... (۱۸) در این آیه کریمه شفاعت باسم حق متعال گردیده که بدان اسم،
سدره الهي ندا فرمود و صخره بنطق درآمد ...

۵ - اسئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَطْلَعَ الْاِقْتِدَارِ بِأَنْ تَخْرُقَ الْحِجَابَ الَّذِي خَالَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ
أَحِبَّتِكَ . (۱۹) مضمون آیه مبارکه چنین است: مسئلت مینمایم به اسمت که انرا مطلع
اقتدار قرار فرموده ای، حجابی که بین تو و عشاق ت حائل است را از میان برداری ... در
این آیه کریمه وصف و نعت اسم الهي بمیان آمده - اسمی را که حق مطلع اقتدار
تعیین فرموده است.

۶ - اسئَلُكَ بِاسْمِ الَّذِي بِهِ كَسَّرْتَ الْأَضْنَامَ وَ زَالَتْ بِهِ الْأَوْهَامُ ... (۲۰) (در این آیه مبارکه
میفرماید ترا مسئلت مینمایم به اسمی که بواسطه ان بُت ها را شکستی و اوهام نابود شد)
۷ - پس از شهادت غصن اطهر از فم مبارک بلسان مناجات چنین نازل گشته قوله عزّ بیانه
: سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي تَرَانِي بَيْنَ أَيْدِي الْأَعْدَاءِ وَ الْإِبْنِ مُحَمَّدٍ بِدَمِهِ أَمَامَ وَجْهِكَ يَا مَنْ
بِيَدِهِ مَلَكُوتُ الْأَسْمَاءِ. أَي رَبِّ فَدَيْتُ مَا أَعْطَيْتَنِي لِحَيَاةِ الْعِبَادِ وَ إِتْحَادِ مَنْ فِي الْبِلَادِ.
اسئَلُكَ يَا مُحِبِّي الْقُلُوبِ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ ظَهَرَ التَّفْصِيلُ الْأَكْبَرُ بَيْنَ الْبَشَرِ بِأَنْ تُنْزِلَ مِنْ سَحَابِ
رَحْمَتِكَ عَلَيَّ أَحِبَّتِكَ مَا يُقَرِّبُهُمْ إِلَيْكَ. (۲۱)

مضمون بیان مبارک چنین است : پاک و منزهی ای پروردگار من، مشاهده میفرمائی مرا که
اسیر دست دشمنانم و این (غصن اطهر) در مقابل و جهت، ای آنکه ملکوت اسماء در دست
تو است ، بخون خود آغشته است. خداوندا کسی را که بمن عطا فرموده بودی از برای
زندگانی مردمان و اتحاد آنانکه در ممالک و بلادند فدا نمودم. ای حیات بخش قلبها، ترا

مسئلت مینمایم به اسمت که بدان اسم تفصیل اکبر در بین بشر ظاهر گردیده است از ابر رحمت خود نازل فرمائی آنچه که عشقت را بتو نزدیک مینماید . (در این ایه مبارکه شفاعت با اسم حق گشته که بواسطه آن اسم ، ابر رحمت میبارد)

۸ - اسئلك يا مالك الوجود و مربّي الغيب و الشهود باسمك الذي به جرى سلسبيل العرفان بين الامكان و فك حتم الرحيق بان تؤيد عبادك على حيك و رضائك . (۲۲) (اسمی که بدان سلسبیل عرفان در بین امکان جاری گردید و مهر خمر الهی گشوده شد...)

۹ - اسئلك باسمك الذي به أخذت الزلازل أكثر العباد... (۲۲) (از تو مسئلت مینمایم به اسمت که بدان لرزه اکثر ناس را در بر گرفت)

۱۰ - سبحانك اللهم يا الهي اسئلك باسمك الذي به ظهرت الساعة و قامت القيامة و فزع من في السموات و الأرض... (۲۴) (اسمی که بدان ساعت آخر ظاهر گشت و قیامت برپا شد و بیم و هراس انانرا که در زمین و آسمانند فراگرفت)

۱۱ - قل اللهم يا مالك الاسماء و فاطر السماء اسئلك باسمك الذي به ارتفعت سماء و حيك و ماج بحر إرادتك و هاج عرف قبيحك... (۲۵) (اسمی که بدان آسمان وحی مرتفع گردید و بحر اراده الله بموج آمد و بوی خوش پیراهن حق منتشر گشت)

۱۲ - اسئلك باسمك الذي به فتحت أبواب القلوب لعرفان مظهر نفسك... (۲۶) (اسمیکه بدان ابواب قلوب را از برای شناسائی مظهر نفست گشودی).

۱۳ - فسبحانك اللهم يا إلهي اسئلك باسمك الذي أرفعت أعلام هدايتك ... (۲۷) (ترا سنوال میکنم به اسمی که بدان پرچمهای هدایت خود را برافراشتی)

۱۴ - يا إلهي اسئلك باسمك المجلي على الأشياء بان تخلق عبداً يسمع نغمات التي ارتفعت عن يمين عرش عظمتك... (۲۸) ... (ترا مسئلت مینمایم به اسمت که بر اشیاء تجلی فرموده)

۱۵ - سبحانك اللهم يا إلهي اسئلك باسمك الذي منه تموج في كل قطرة بحور رحمتك و الطافك... (۲۹) (ترا مسئلت مینمایم به اسمت که بواسطه آن در هر قطره دریاهاهی رحمت و الطافت بموج آمد...)

۱۶ - اسئلك باسمك الذي به فتحت أبواب القلوب لعرفان مظهر نفسك و مطلع آياتك و مشرق و حيك (۲۰) (سنوال میکنم ترا با اسمت که بدان درهای قلوب را برای شناسائی مظهر نفست و مطلع آیات و مشرق و حیت گشودی...)

۱۷ - اسئلك باسمك الذي به سرع كل شيء الى مقر عرش عظمتك و نطقت حقائق الأشياء بئناء نفسك (۲۱) (ترا سنوال مینمایم به اسمت که بدان جمیع اشیاء بسوی مقر عرش عظمتت شنافتند و حقائق اشیاء بستایش نفس تو گویا شدند)

در این زمینه آیات الهیه مملو از شواهد گوناگون و بیشمار میباشد که درج آن از حیطه این مقال خارج است و بمنظور جلوگیری از تطویل کلام بهمین مقدار کفایت مینماید و توجه را بذکر موارد مختلفه دیگری معطوف میسازد که جمال قدس الهی با استشهاد بدانان از درگاه رب توانا رجای بذل مواهب شتی فرموده اند.

از آنچه که تا کنون مذکور گردیده چنین نتیجه میگیریم شفاعت نمودن باسم الهی از اصول مهمه مرعیه در ادعیه و مناجاتهای صادره از کَلِمَة اطهر جمال اقدس ابهی است که اکثراً بلغت عربی نازل شده درحالیکه در مناجاتهای فارسی که از سماء مشیت نازل شده این رویه بچشم نمی خورد و در اکثر قریب به اتفاق مناجاتهای صادره از یراعه مرکز میثاق الهی . چه فارسی و چه عربی ، سبک و اسلوب فوق کمتر مراعات شده و لسان مرکز پیمان الهی اکثراً بتمنا و التجا و رجا و ثنا گویاست.

ثانیا - شفاعت بموارد سائره :

حال نظر را معطوف بمواردی مینمایم که جمال ذوالجلال الهی از صفات و نعوت و اشخاص و عوامل دیگری در تلقاء وجه الهی نام برده و بدان شفاعت فرموده اند. این موارد نیز بسیار و بیشمارند و باختصار ذکر فقرات معدودی بمیان می آید، باشد که در فرصت دیگری این فصول بنحو مطلوب تشریح گردد و موجبات توجه و انتباه را فراهم آورد.

۱ - *أَسْأَلُكَ بِقَدَمِ ذَاتِكَ بِأَنَّ تُصَبِّرَ الْبَهَاءَ فِي هَذِهِ الْمُصِيبَاتِ الَّتِي فِيهَا نَاحَتْ أَهْلُ مَلَأِ الْأَعْلَى (۲۲)* (شفاعت بذات ابدی الهی گردیده تا بجمال قدسش در این مصیبات صبر و تحمل عطا فرماید....)

۲ - *أَسْأَلُكَ بِالَّذِي قَبِلَ الْبَلَاءَ فِي سَبِيلِكَ وَ دَعَا الْكُلَّ إِلَى أَفْقِكَ الْأَعْلَى إِذْ كَانَ مَسْجُونًا بَيْنَ الْأَعْدَاءِ - (۲۲)* - (خداوندا ترا مسئلت مینمایم بکسی که «مقصود حضرت بهاء الله است» بلایا را در سببیت قبول نمود و با وجود آنکه در دست دشمنان اسیر و زندانی بود همگان را بسوی افق اعلایت دعوت کرد - شفاعت بنفس جمالقدم شده است)

۳ - *أَيُّ رَبِّ أَسْأَلُكَ بِنَفْسِكَ بِأَنَّ تُؤَيِّدَنِي عَلَى خِدْمَتِكَ بَيْنَ عِبَادِكَ (۲۴)* (خدایا ترا به نفست مسئلت مینمایم که مرا بر خدمت بندگان مؤید فرمائی. (شفاعت به نفس حق شده است)

۴ - *أَسْأَلُكَ بِمَشْرِقِ ذَاتِكَ وَ مَطْلَعِ كَيْنُونِيَّتِكَ بِأَنَّ تَجْعَلَ أَعْمَالِي كُلَّهَا عَمَلًا وَاحِدًا فِي حُبِّكَ وَ أَنْكَارِي ذِكْرًا وَاحِدًا فِي ثَنَائِكَ.. (۲۵)* (شفاعت به مشرق ذات الهی و مطلع کینونیت ربانی شده است)

ه - سُبْحَانَكَ يَا بَحْرَ الْوَفَاءِ أَسْأَلُكَ بِنَفْسِكَ الَّتِي سَمَّيْتَهَا بِالْبَهَاءِ بِأَنْ يَهْدِيَ عِبَادَكَ إِلَى أَفْقِ ظُهُورِكَ .. (٢٦) پاک و منزهی تو ای بحر وفا ، از تو مسئلت مینمایم به نَفَسْتِ که انرا بهاء نام نهاده ای مردمانرا به افق ظهورت رهبری فرما.

٦ - أَسْأَلُكَ بِنَفْحَاتِ وَحْيِكَ وَ فَوْحَاتِ إلهَامِكَ وَ بَحْرِ فَضْلِكَ وَ سَمَاءِ الطَّلَافِكِ بِأَنْ تَجْعَلَنِي فِي اللَّيَالِي وَ الْأَيَّامِ قَائِماً عَلَى خِدْمَتِكَ وَ ذَاكِراً بِذِكْرِكَ (٢٧) (شفاعت به : (اولا) نفحات وحی الهی و (ثانیا) انتشار روائح الهام ربانی و (ثالثا) دریای فضل و بخشش صمدانی و (رابعا) آسمان الطاف سبحانی شده است)

٧ - أَسْأَلُكَ بِنَفَاذِ أَمْرِكَ وَ اقْتِدَارِكَ وَ إِعْلَاءِ كَلِمَتِكَ وَ سُلْطَانِكَ بِأَنْ تَجْعَلَنَا مِنَ الَّذِينَ مَا مَنَعْتَهُمُ الدُّنْيَا عَنِ التَّوَجُّهِ إِلَيْكَ . (٢٨) (شفاعت بنفوذ امر الهی و اقتدار ربانی و رفعت و سطوت و سلطنت سماوی شده تا ما را از جمله نفوسی گرداند که شئونات دنیا انان را از توجه به خداوند متعال ممنوع نساخته است.)

٨ - سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ يَا إلهي أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ الَّتِي أَحَاطَتِ الْمُنْكَنَاتِ وَ بِسُلْطَانِكَ الَّذِي اسْتَعْلَى عَلَى الْمَوْجُودَاتِ وَ بِكَلِمَتِكَ الَّتِي كَانَتْ مَكْنُونَةً فِي عِلْمِكَ (٢٩) (شفاعت به قدرت محیطه سبحانیه و سلطنت ملکوتیه و کلمه مکنونه الهیه گردیده است....)

٩ - سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ يَا إلهي أَسْأَلُكَ بِزُقْرَاتِ قُلُوبِ الْعَاشِقِينَ وَ دُمُوعِ الْمُشْتَاقِينَ بِأَنْ لَا تَجْعَلَنِي مَحْرُوماً مِنْ نَفْحَاتِ رَحْمَانِيَّتِكَ فِي أَيَّامِكَ ... (٤٠) (شفاعت به آه و انین دل عاشقان و اشک مشتاقان شده است...)

١٠ - سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ يَا إلهي أَسْأَلُكَ بِآيَاتِكَ الَّتِي أَحَاطَتِ الْمُنْكَنَاتِ وَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي مِنْهُ اشْرَقَتِ الْأَرْضُونَ وَ السَّمَاوَاتُ وَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي سَبَقَتْ الْمَوْجُودَاتِ ... (٤١) (پاک و منزهی بار الها خدای من ، ترا مسئلت مینمایم به آیات که ممکنات را دربرگرفته و بنور رُخْتِ که زمینها و اسمانها بدان روشن و منیر گردیده و برحمتت که بر آنچه موجود است سبقت یافته ...) (در این آیه مبارکه شفاعت بچند فقره شده است : الف - آیات الهی ، ب - نور وجه ملکوتی ، ج - رحمت پروردگاری .)

١١ - أَيُّ رَبِّ أَسْأَلُكَ بِصِفَاتِكَ الْعُلْيَا وَ ظُهُورَاتِ عِزِّكَ فِي مَلَكُوتِ الْبَقَاءِ (٤٢) (شفاعت بصفات علیا و ظهورات قدرت الهی در ملکوت بقاء شده است .)

١٢ - اسْأَلُكَ بِسِرِّكَ الْمَسْتُورِ وَ بِاسْمِكَ الْمَشْهُورِ .. (٤٢) (شفاعت به سِرِّ مستور و اسم مشهور الهی شده است .)

١٣ - در مناجاة شفاء چنین نازل گشته الهی الهی أَسْأَلُكَ بِبَحْرِ شِفَائِكَ وَ إِشْرَافَاتِ أَنْوَارِ تَيَّرِ فَضْلِكَ وَ بِإِلَاسِمِ الَّذِي سَخَّرْتَ بِهِ عِبَادَكَ وَ بِنَفُودِ كَلِمَتِكَ الْعُلْيَا وَ اقْتِدَارِ قَلْبِكَ الْأَعْلَى وَ

بِرَحْمَتِكَ الَّتِي سَبَقَتْ مَنْ فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ... (٤٤) (شفاعت به : اولاً - دریای شفای الهی، ثانیاً - اشراقِ انوارِ آفتابِ فضلِ رحمانی، ثالثاً - به اسمیکه بدان مردمان را تسخیر فرمود رابعاً - به نفوذ کلمه علیا، خامساً - به اقتدار قلم اعلائی ملکوتی، سادساً - به رحمت سبحانی که بر آنچه در زمین و آسمان است سبقت گرفته اند)

١٤ - أَسْأَلُكَ بِأَوْرَاقِ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى وَ أَغْصَانِهَا وَ أَفْئَانِهَا وَ حَفِيفِهَا بِأَنْ تُبَدِّلَ نَارَ هَجْرِ أَوْلِيَائِكَ بِنُورٍ وَصَالِكَ وَ بَعْدَهُمْ بِقَرْبِكَ... (٤٥) (شفاعت اولاً : به اوراق سدره منتهی، ثانیاً: اغصان شجره الهیه، ثالثاً: افنان آن سدره ربانیه، رابعاً: حفیف شجره ربانیه .
١٥ - أَسْأَلُكَ بِالَّذِينَ طَافُوا حَوْلَ عَرْشِ مَشِيَّتِكَ وَ طَارُوا فِي هَوَاءِ إِرَادَتِكَ وَ أَقْبَلُوا بِقُلُوبِهِمْ إِلَى أَفْقِ وَحْيِكَ وَ مَشْرِقِ الْهَامِكِ وَ مَطْلَعِ أَسْمَائِكَ .. (٤٦) (شفاعت به کسانی شده است که حول عرش اراده الهیه طواف نموده و در هواء اراده الهیه پرواز نموده و با قلوب خود به افق وحی و مشرق الهام و مطلع اسماء حیّ متعال رو آورده اند.)

١٦ - اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِأَبْهَاءِ وَ كُلِّ بَهَائِكَ بِبِهَيِّ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِبَهَائِكَ كُلِّهِ. لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. (٤٧) (شفاعت به بهاء الهی و جمال قدس کبریائی گردیده است.)

مطالب فوق الذکر که مشتمل بر شرح مختصری از تشبث بذیل شفاعت در آثار حضرت احدیت است راهنمای گهرباریست از برای ما اهل بها که در زندگی روحانی خویش از این خصلت پسندیده پیروی نمائیم و درس عبرت گیریم و در ادعیه و اذکار خویش اولیاء و اصفیاء الهی و عوامل دیگریکه جمال یزدانی در آیات خویش بدان تمسک فرموده اند را شفیع خود قرار دهیم بفضله و منه.

فصل سوم - شکر و سپاس .

فی الحقیقه ایات و ادعیه مبارکه مالا مال از حمد رب یگانه میباشد. در هر فرصت و آنی لسان قدم مراتب ثنا و شکرانه به استان حضرت احدیه را در ادعیه و مناجاتهای صادره از پراعه عز احدیه مذکور و مسطور داشته اند که فی حد ذاته تکبیر و تقدیس و تهلیل و تسبیح جلیل است . نظر به امثله ذیل مطلب را واضح و عیان میسازد:

١ - الها معبودا ملکا - حمد و ثنا سزاوار تو است چه که از مشتق تراب خلق را خلق فرمودی و گوهر بینش و دانش عطا نمودی. (٤٨)

۲ - ... ای خدای من و مالک من و دوست من و محبوب جان و روان من چگونه از عهده شکر تو برآیم ، در بحر غفلت و نادانی مستغرق بودم لسان فضلت مرا ندا نمود و ید عنایتت مرا اخذ کرد (۴۹)

۲ - ... فَلِكِ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي عَلَى ظُهُورِ مَوَاهِبِكَ وَعَطَائِكَ ، فَلِكِ الْحَمْدُ يَا مَحْبُوبِي عَلَى طُلُوعِ شَمْسِ عِنَايَتِكَ وَإِفْضَالِكَ ، فَلِكِ الْحَمْدُ حَمْدًا يَهْدِي الْمُضِلِّينَ إِلَى تَشْفِيعِ أَنْوَارِ صُبْحِ هِدَايَتِكَ وَيُوصِلُ الْمُشْتَاقِينَ إِلَى مَكَمَلِ إِشْرَاقِ نَوْرِ جَمَالِكَ ، فَلِكِ الْحَمْدُ حَمْدًا يَقْرُبُ الْمَرِيضَ إِلَى مَعِينِ شِفَائِكَ وَالْبَعِيدَ إِلَى كَوْكَبِ لِقَائِكَ ... (۵۰)

۴ - ای خداوند یکتا ای پروردگار بیهمتا ستایش و نیایش تو را که این اکیلل جلیل را بر سر این ضعفا نهادی و این رداء عزت ابدیه را بر دوش این فقرا دادی... (۵۱)

۵ - ای دلبر افاق شکر ترا که دیده بیدارت روشن گردید و دل و جان از نفحات قدست غبطه گلزار و چمن شد. نفحات آنس مرور یافت و نفحات روح القدس منتشر شد... (۵۲)

۶ - سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي لَكَ الْحَمْدُ بِمَا جَعَلْتَنِي مَرْجِعَ الْقَضَايَا وَمَطْلِعَ الْبَلَايَا لِحَيَاةِ عِبَادِكَ وَخَلْقِكَ. (۵۳) ... (.. شکر ترا که مرا مرجع مشاگل و مطلع بلایا از برای حیات عبادت مقرر داشتی)

۷ - إِلَهِي إِلَهِي لَكَ الْحَمْدُ بِمَا اسْكَنْتَنِي فِي دِيَارِ الْغُرَبَةِ وَتَرَكْتَنِي بَيْنَ أَيْدِي الظَّالِمِينَ وَ لَكَ الشُّكْرُ بِمَا أَنْطَقْتَنِي بِكُنَائِكَ إِذْ كُنْتُ بَيْنَ أَيْدِي الْفَاجِرِينَ ... (۵۴) (شکر ترا که مرا در دیار غربت مسکن دادی و در دست ستمکاران افکندی و هنگام گرفتاری در دست گناهکاران زبانه را به ثنایت گشودی)

۸ - ای آله من جوهر حمد و ساذج ثنا مخصوص ذات بیمثالت بوده وهست. ای سید من و مقصود من بجه لسان عنایات لآنهایه ات را ذکر نمایم .. (۵۵)

اگر قصد نقل ایات شکر و ثنا از اثار مبارکه الهیه نمائیم دریاهاي قلم و مداد کفایت ننماید. لسان قدم بحمد و ثنای آنچه که در حیز وجود موجود گردیده پرداخته است . حضرت عبدالبهاء در تشریح و توصیف مقام شکر و سپاس بیانی باین مضمون میفرمایند که شکرانه در ازاء بخشش و عطا از فضائل حمیده و خصائل پسندیده است چنانچه حضرت باری در قرآن مجید فرموده و لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ و شاعر نیز گفته که شُكْرٍ نِعْمَتِ نِعْمَتِ افزون کند ولی در این دور بدیع بذل و احسان که از مکارم اخلاق است کفایت ننماید بلکه انفاق لازم است و انفاق آنستکه نطلبیده آنچه داری بخشش نمائی . در وصف جود و کرم در شریعت حضرت مُنْجِي الْأُمَّمِ نبیل زرندي از حضرت بهاءالله جَلَّ اسْمُهُ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى بیانی نقل می نماید که موصوف و معروف بلوح پنج کنز شده است و در ان جمال قدس کبریا اصول

و مباني بذل و عطا را در این شریعت غرّاً بیان می فرمایند. مطالعه این لوح مبارک ضروری است چه که مدارج سلوک و رفتار و شیم و اخلاق در آن تعیین و تقریر یافته و منهج قویم در روابط هیئت بشریه تنظیم گردیده است .

فصل چهارم - ذکر اسماء و صفات الهی و اصالت امر ربانی :

در این مقوله نیز در آثار مبارکه شواهد بسیار یافت میشود و حال فقط بذکر چند آیه اکتفا میگردد ، قوله الانخم :

۱ - سُبْحَانَكَ يَا اَلٰهِي و اَلّٰهَ كُلُّ شَيْءٍ وَّ بَهَائِي وَّ بَهَاءَ كُلِّ شَيْءٍ وَّ رَجَائِي وَّ رَجَاءَ كُلِّ شَيْءٍ وَّ عَزِّي وَّ عِزَّ كُلِّ شَيْءٍ وَّ سُلْطَانِي وَّ سُلْطَانَ كُلِّ شَيْءٍ وَّ مَالِكِي وَّ مَالِكَ كُلِّ شَيْءٍ وَّ مَحْبُوبِي وَّ مَحْبُوبَ كُلِّ شَيْءٍ وَّ مَقْصُودِي وَّ مَقْصُودَ كُلِّ شَيْءٍ وَّ مُحَرِّكِي وَّ مُحَرِّكَ كُلِّ شَيْءٍ... (۵۶)

ذکر صفات الهی بمیان آمده است که اوست خداوند و نور و بهاء و امید و عزت و قدرت و سلطان و مالک و محبوب و مقصود و مُحرِّک جمیع اشیاء در عالم وجود.

۲ - الهابی نیازا کریماً رحیماً ملکا مالکاً. همه عبادت تواند و از کلمه تو از عدم بوجود آمدند و معترفند بر فقر خود و غنای تو و جهل خود و علم تو و ضعف خود و اقتدار تو و عجز خود و سلطان تو (۵۷)

۳ - قَوَّعَزَّتْكَ يَا اَلٰهِي لَوْ تَجَعَلَنِي سُلْطَانًا فِي مَمْلَكَتِكَ وَّ تَجَلْسُنِي عَلٰی عَرْشِ فَرْدَانِيَّتِكَ وَّ تَضَعْ زِمَامَ كُلِّ الْوُجُوْدِ فِي قَبْضَتِي بِاِقْتِدَارِكَ وَّ تَجَعَلَنِي فِي اَقْلٍ مَا يُخْصِي مَشْغُولًا بِذَلِكَ وَّ غَافِلًا عَنِ بَدَائِعِ ذِكْرِكَ الْاَعْلٰی فِي اِسْمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَتَمِّ الْعَلِيِّ الْاَعْلٰی ، قَوَّعَزَّتْكَ لَنْ تَرْضٰى نَفْسِي وَّ لَنْ يَسْكُنَ قَلْبِي بَلْ اَجِدُ ذَاتِي فِي تِلْكَ الْحَالَةِ اَذَلَّ مِنْ كُلِّ ذَلِيْلٍ وَّ اَفْقَرَ مِنْ كُلِّ فَقِيْرٍ. (۵۸)

مضمون خلاصه بیان مبارک چنین است که خداوند اگر مرا سلطنت ملک عطا فرمائی و بر عرش فردانیت جالس نمائی و زمام وجود بدستم نهی و بدان چنان مشغولم سازی که از بدایع ذکرت غافل شوم قسم بعزت و اقتدارت که نفسم هرگز راضی نگردد و قلبم سکون نیابد بلکه خود را از هر خوار و ذلیلی پست تر یابم و از هر فقیری مستمندتر بینم!!! ایاً از برای اهمیت ذکر و ثنای الهی وصف و نعمتی اعظم و ارفع از این میسر است ؟

۴ - اَلٰهِي اَلٰهِي ذَكَرْتُ مَحْبُوبِ قُلُوبٍ وَّ مَقْصُودِ جَانِهَاسْت وَّ اَسْمَتِ سُلْطَانِ وَّ جُودِ وَّ دَارَايِ غِيْبٍ وَّ شَهُوْدِ (۵۹)

۵ - اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَنْتَ مَظْهَرُ الْمَظَاهِرِ وَّ مَصْدَرُ الْمَصَادِرِ وَّ مَطَّلَعُ الْمَطَالِعِ وَّ مَشْرِقُ الْمَشَارِقِ (۶۰)

۶ - ... توئی آن مقتدریکه بحرکت قلم امر مُبرمت را نصرت فرمودی و اولیاء را راه نمودی.. (۶۱)

۷ - سُبْحَانَكَ يَا مَالِكَ الْقَدَمِ وَ خَالِقِ الْأَمَمِ وَ مُصَوِّرِ الرَّمَمِ ... (۶۲) (توئی مالک ابدی و خالق کائنات)

۸ - ... توئی آن سلطانی که بیک کلمه ات وجود موجود گشت و توئی ان کریمی که اعمال بندگان بخششت را منع نمود و ظهورات جودت را باز نداشت... (۶۳)

۹ - لَمْ أَدْرِ يَا إِلَهِي بَأَيِّ نَارٍ أَوْقَدْتَ سِرَاجَ أَمْرِكَ وَ بَأَيِّ زُجَاجَةٍ حَفَظْتَهُ مِنْ أَعَادِي نَفْسِكَ. فَوَعَزْتِكَ صِرْتٌ مُتَّحِيراً فَتِي بَدَائِعِ أَمْرِكَ وَ ظُهُورَاتِ عَظَمَتِكَ . أَرَى يَا مَقْصُودِي بِأَنَّ النَّارَ لَوْ يَمَسُّهَا الْمَاءُ تَخْمُدُ فِي الْحَيِّينَ وَ هَذِهِ النَّارُ لَا تَخْمِدُهَا بُحُورُ الْعَالَمِينَ وَ إِذَا يُصَبُّ عَلَيْهَا الْمَاءُ تَنْقَلِبُهُ أَيْدِي قُدْرَتِكَ وَ تَجْعَلُهُ دُهْنًا لَهَا بِمَا قُدَّرَ فِي أَلْوَاحِكَ . (۶۴)

در عالم وجود آب سبب خاموشی آتش است ولی سراج امر الهی را دریاهاي عالم کفایت ننماید چه که دست قدرتش اب را به دهن (روغن) تبدیل نماید و تابش این سراج را افزایش بخشد!

فصل پنجم - در عفت و عصمت بانوان :

أَسْأَلُكَ يَا خَالِقَ الْأَمَمِ وَ مَالِكَ الْقَدَمِ بِأَنَّ تَحَفَّظَ إِمَائِكَ فِي سُرَادِقِ عِضْمَتِكَ وَ كَفَّرَ عَنْهُمْ مَا لَا يَنْبَغِي فِي أَيَّامِكَ. فَاجْعَلْهُمْ يَا إِلَهِي طَاهِرَاتٍ مِنَ الْأَرْيَابِ وَ الشُّبُهَاتِ وَ مُقَدَّسَاتٍ عَمَّا لَا يَنْبَغِي لِنِسْبَتِهِنَّ إِلَيْكَ يَا مَالِكَ الْأَسْمَاءِ وَ مُنْزَلِ الْآيَاتِ . (۶۵)

فصل ششم - امتحان و افتتان :

سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي تَرَى كُلَّ ذِي اسْتِقَامَةٍ حَرَكْتَهُ أَرْيَاحُ الْإِمْتِحَانِ وَ كُلَّ ذِي اسْتِفْرَارٍ انْقَلَبَتْهُ نَفَحَاتُ افْتِتَانٍ إِلَّا الَّذِينَ أَخَذُوا خَمَرَ الْحَيَوَانِ مِنْ يَدِ مَظْهَرِ اسْمِكَ الرَّحْمَنِ . (۶۶)

فصل هفتم - در فضائل مؤمنین و طلب مغفرت از برای آنان :

۱ - اولئك عباد آخذهم سُكْرُ خَمَرِ مَعَارِفِكَ عَلَى شَأْنٍ يَهْرُبُونَ مِنَ الْمَضَاجِعِ شَوْقاً لِيُذَكِّرَكَ وَ تَنَائِكَ وَ يَفِرُّونَ مِنَ النَّوْمِ طَلَباً لِقُرْبِكَ وَ عِنَايَتِكَ .. فَبِئْسَ إِلَهِي تَرَى مَا وَرَدَ عَلَى أَحْبَابِكَ فِي

إِيَامِكَ . فَوَعِدْتِكَ نَا مِنْ أَرْضِي الْأَ وَ فِيهَا ارْتَفَعَ ضَجِيجُ اضْفِيَائِكَ وَ مِنْهُمْ الَّذِينَ جَعَلَهُمُ
 الْمُشْرِكُونَ أَسَارِي فِي مَمْلَكَتِكَ وَ مَنَعُوهُمْ عَنِ التَّقَرُّبِ إِلَيْكَ وَ الْوُرُودِ فِي سَاحَةِ عِزِّكَ وَ مِنْهُمْ يَا
 إِلَهِي تَقَرَّبُوا إِلَيْكَ وَ مَنَعُوا عَنِ لِقَائِكَ وَ مِنْهُمْ دَخَلُوا فِي جِوَارِكَ طَلَبًا لِلِقَائِكَ وَ حَالَ بَيْنَهُمْ وَ
 بَيْنَكَ سُبُحَاتُ خَلْقِكَ وَ ظَلَمَ طَغَاةَ بَرِيَّتِكَ . (٦٧)

٢ - سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي قَدْ قَدَّرْتَ لِعِبَادِكَ الْمُقَرَّبِينَ فِي رِضْوَانِكَ الْأَعْلَى مَقَامَاتٍ لَوْ يَظْهَرُ مَقَامٌ
 مِنْهَا لَيَنْصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ . فَوَعِدْتِكَ لَوْ يَرَوْنَهُ الْمُلُوكَ لَيَنْقَطِعَنَّ عَنِ مَمَالِكِهِمْ
 وَيَتَوَجَّهَنَّ إِلَى الْمَمْلُوكِ الَّذِي اسْتَظَلَّ فِي جِوَارِ رَحْمَتِكَ الْكُبْرَى فِي ظِلِّ اسْمِكَ الْإِبْهِيِّ (٦٨)

٢ - أَيُّ رَبِّ تَرَانِي مُقْبِلًا إِلَى بَحْرِ فَضْلِكَ وَ كَفَيْتَ عَطَائِكَ . أَسْأَلُكَ يَا نَا لَا تَجْعَلْنِي مَحْرُومًا عَنِ
 تَرَشُّحَاتِ بَحْرِ جُودِكَ وَ لَا مَنُوعًا عَنِ أَنْطَارِ سَحَابِ مَرْحَمَتِكَ ... (٦٩)

فصل هشتم - بلايا و رزايا :

بلايا و رزايا در شريعت سمحاء از عوامل اساسيه محسوب گرديده و در مواضع عديده چه
 در ادعيه و چه در الواح مبارکه لسان عظمت اهميت حمل محن و مشقات را ذکر فرموده و
 شمول مصاعب و آلام را از ارکان ايمان و ايقان محسوب داشته اند. شواهد بسيار در آثار
 حي مختار موجود است و ما در اين مقام بذكر چند استشهدا اكتفا مي نمايم :

١ - يَا مَحْبُوبَ قُلُوبِنَا وَالْمَذْكُورَ فِي صُدُورِنَا لَوْ يَنْطَرُ عَلَيْنَا مِنْ سَحَابِ الْقَضَاءِ سِهَامَ الْبَلَاءِ
 مَا نَجَزَعُ فِي حُبِّكَ وَ نَشْكُرُكَ فِي ذَلِكَ لِأَنَّا عَرَفْنَا وَ اَيَّقْنَا بِأَنَّكَ مَا قَدَّرْتَ لَنَا إِلَّا مَا هُوَ خَيْرٌ لَنَا
 وَ لَوْ تَجَزَعُ بِهَا فِي بَعْضِ الْأَحْيَانِ أَجْسَامُنَا تَسْتَبِشِرُ بِهَا أَرْوَاحُنَا . فَوَعِدْتِكَ يَا مُنِيَّةَ قُلُوبِنَا وَ
 فَرَحَ صُدُورِنَا كُلُّ نَفْمَةٍ فِي حُبِّكَ رَحْمَةٌ وَ كُلُّ نَارٍ نُورٌ وَ كُلُّ عَذَابٍ عَذَبٌ وَ كُلُّ تَعَبٍ رَاحَةٌ وَ كُلُّ
 حُزْنٍ فَرَحٌ . أَيُّ رَبِّ مَنْ يَجَزَعُ مِنَ الْبَلَايَا فِي سَبِيلِكَ إِنَّهُ مَا شَرِبَ كَأْسَ حُبِّكَ وَ مَا ذَاقَ حَلَاوَةَ
 ذِكْرِكَ . (٧٠)

٢ - " اگر از منزل پرسي سجن و اگر از غذا پرسي بلايا و محن و اگر از جسد پرسي
 در ضعف و اگر از روح پرسي در سرور و فرحي که مقابله نمينمايد بآن سرور من عَلي
 الْأَرْضِ . حبس را قبول فرموديم تا عزت احباء از مشرق اراده اشراق نمايد. همچو بدان که
 حق عاجزاست . قسم به اسم اعظم که اگر اراده فرمايد ارواح جميع امم را به يك کلمه اخذ
 نمايد معذک از ظلم ظالمين چشم پوشيده و حمل بلاياي لا تُحصى فرموده تا کل را بمدينه
 باقيه کشاند لَا يَعْلَمُ إِلَّا أُولِي الْأَلْبَابِ... (٧١)

۲ - سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي لَوْلَا الْبَلَايَا فِي سَبِيلِكَ مِنْ آيِنَ تَطَهَّرُ مَقَامَاتِ عَاشِقِيكَ وَ لَوْلَا الرِّزَايَا فِي حُبِّكَ يَا إِلَهِي شَيْءٌ تَبَيَّنَ شُئُونِ مُشْتَاقِيكَ .. (۷۲)

فصل نهم - تسلیم و رضا :

۱ - سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي أَنَا الَّذِي أَرَدْتُ رِضَائَكَ وَ أَقْبَلْتُ إِلَيْ شَطْرِ إِفْضَالِكَ وَ قَدْ جِئْتُكَ مُنْقَطِعاً عَمَّا سِوَاكَ وَ لِأَنْدَاقِ بَحْضَرَتِكَ وَ مُقْبِلاً إِلَيْ حَرَمِ أَمْرِكَ وَ كَفَيْتَ عِزَّكَ (۷۲)

۲ - قَوِّ عِزَّتِكَ يَا إِلَهِي كُلَّمَا أُرِيدُ أَنْ أذْكَرَكَ يَمْنَعُنِي عُلُوكَ وَ اقْتِدَارَكَ وَ كُلَّمَا أُرِيدُ أَنْ أَضْمَتَ يَنْطِقُنِي حُبُّكَ وَ ارَادَتَكَ . فَيَا إِلَهِي إِنْ الْمَسْكِينِ يَدْعُو مَوْلَاهُ الْغَنِيِّ وَ الْعَاجِزُ يَذْكَرُ مَوْلَاهُ الْقَوِيَّ . إِنْ قَبِلَ مِنْهُ إِنَّهُ خَيْرٌ مُعْطٍ وَ إِنْ أَطْرَدَهُ إِنَّهُ خَيْرٌ عَادِلٍ . وَ الْمَقْبُولُ يَا إِلَهِي مَنْ أَقْبَلَ إِلَيْكَ وَ الْمَحْرُومُ مَنْ غَفَلَ عَنْ ذِكْرِكَ فِي أَيَّامِكَ . طُوبَى لِمَنْ ذَاقَ حَلَاوَةَ ذِكْرِكَ وَ ثَنَائِكَ . إِنَّهُ لَا يَمْنَعُهُ شَيْءٌ عَنِ التَّوَجُّهِ إِلَيْ مَنَاهِجِ رِضَائِكَ وَ مَسَالِكِ أَمْرِكَ وَ لَوْ يُحَارِبُهُ مَنْ عَلَى الْأَرْضِ كُلِّهَا. (۷۴)

مسئله تسلیم و رضا از جمله مسائل مهمه امر الهی است و بمانند قضیه توحید اگر بنحو مطلوب معلوم و مفهوم گردد کلید درک بسیاری از مسائل معنوی بدست آید. بدین لحاظ به بیانات حضرت عبدالبهاء در این مقام استشهاد میگردد که در یکی از الواح چنین میفرماید " حقیقت رضا اعظم موهبت جمال ابهی است ولی تحقق این صفت که اعظم منقبت عالم انسانی است مشکل است چه که بسیار صعب و سخت است حین امتحان معلوم و واضح گردد. " (۷۵)

و در لوحی دیگر چنین تبیین میفرماید قوله العزیز : " ای طالب رضای الهی در حدیث است مَنْ لَمْ يَرْضَ بِقَضَائِي فَلْيَطْلُبْ رَبًّا سِوَانِي . رضای بقضا عبارت از اینست که در راه خدا هر بلائی را بجان و دل بجوئی و هر مصیبتی را بکمال سرور تحمل نمائی . سَمَّ نَقِيعِ رَا چون شهید لطیف بچشی و زهر هلاهل را چون عسل مصفی بطلبی. زیرا این بلا اگر چه تلخ است ولی ثمر شیرین دارد و حلاوت بیمنتهی بخشد . اینست معنی مَنْ لَمْ يَرْضَ بِقَضَائِي فَلْيَطْلُبْ رَبًّا سِوَانِي ... (۷۶) ایضا میفرماید قوله المستعان : یا غلام در صَفْعِ رِضَا هِرْكَسِ مَحْشُورِ گشت در یوم نُشُورِ جام فرح و سرور از دست ساقی ظهور نوشید و در ماء طهور از اوساخ شئون امکان پاک و مقدس گشت . پس تو انشاءالله غلام درگاه حضرت رب عالمی از این کأس همیشه مدهوش و سرمست باش تا در این توده خاک نَفْسِ پاکِی کشی

و جلوهٔ انجم افلاك نمائی و لَیْسَ هَذَا عَلٰی رَبِّكَ الْقَدِيمِ بِعَزِيزٍ . این نُجُوم اجسام عنصری و از جهان طبیعند چون در عالم خود یعنی جهان عناصر لطافتی دارند در فجر و افق عالم روشن و منیرند. پس ملاحظه کن اگر حقیقت انسانی که از جهان الهیست چون در مراتب وجود ترقی نماید و لطافت و صفا و نورانیت و فیض بها اکتساب کند چگونه از افق وجود بنور شهود مشهود گردد ع ع (۷۷).

آنچه که در فوق مذکور گشت خلاصهٔ بحث و غوری است که در چند فقره از مناجاتهای جمال اقدس ابهی صورت گرفته و بمحض انور یاران عزیز گرامی عرضه شده باین امید که دیگران با ذوق و شوق بیکران بتفحص و تفرس در آیات مبارکه پردازند و در این محیط اعظم غور و غوص کنند و بکسب لئالی شاهوار فائز گردند و این بحث کوتاه و محدود را افزایشی وسیع و نامحدود عطا نمایند و اهل بها را بتلاوت آثار مبارکه علیا تشویق و تحریص نمایند تا جلوهٔ مجد الهی و تَلَأُلُ بیانات سبحانی بسیط زمین را احاطه نماید زیرا کلمهٔ الله مُدِّ حیات است چنانچه حضرت بهاء الله جل اسمه الاعلی میفرمایند قوله تبارک و تعالی:

" انشاءالله جمیع دوستان بروح کلمه بچیوة تازهٔ جدیده مزین و فائز شوند چه هر نفسی فی الحقیقه او حیات یافت او بر عهد ثابت و محکم است چه که وفا یمشی قُدَامَهُ و الْأَمَانَهُ عَنْ یَمِینِهِ و الصَّدَاقَةَ عَنْ یَسَارِهِ و نُورُ الْأَطْمِئِنَانِ فَوْقَ رَأْسِهِ وَ رُوحُ الْأَنْقِطَاعِ یَتَحَرَّكُ مَعَهُ . نفس مطمئنۀ ثابتۀ باین جنود عالم قلوب را فتح نموده و مینماید. در این ظهور اعظم جنود حق بی سلاح به اصلاح عالم توجه نموده اند. لَعَمْرِي سِلَاحِ جُنُودِ الْهَيْهِ أَنْفَعُ وَ أَحَدٌ بُوْدَهُ وَ هَسْتُ . ملاحظه نما یک کلمه عالم را مُسَخَّرَ نموده و مینماید. هُوَ الْمُقْتَدِرُ الْقَوِيُّ الْغَالِبُ الْقَدِيرُ . " (۷۸)

در ختام دو بیان اعلائی جمال اقدس ابهی را که در ذکر مجد و حلاوت کلمهٔ الله از یراعۀ عظمت نازل گردیده نقل می نماید قوله الاطهر الانور:

" قُلْ يَا قَوْمِ فَأَصْفُوا كَلِمَةَ اللَّهِ ثُمَّ أَقْرَبُوا فِي آيَاتِكُمْ وَ قَدْ قَدَّرَ اللَّهُ لِثَالِيهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ يَبْعَثُهُ فِي الْجَنَانِ عَلٰی جَمَالٍ يَسْتَضِي مِنْهُ كُلُّ مَنْ فِي الْعَالَمِينَ . فَهَنِيئًا لِمَنْ يَفْرَهُ آيَاتِ رَبِّهِ وَ يَتَفَكَّرُ فِي أَسْرَارِهَا وَ يَطَّلِعُ بِمَا كُنَزَ فِيهَا مِنْ جَوَاهِرِ عِلْمٍ حَفِيظٍ . " (۷۹)

قَدْ اشْتَعَلَ الْعَالَمُ مِنْ كَلِمَةِ رَبِّكَ الْآبِهَىٰ وَإِنَّهَا أَرْقَىٰ مِنْ نَسِيمِ الصَّبَا قَدْ ظَهَرَتْ عَلَىٰ هَيْئَةِ الْإِنْسَانِ وَبِهَا أَحْيَىٰ اللَّهُ عِبَادَهُ الْمُقْبِلِينَ وَ فِي بَاطِنِهَا مَاءٌ طَهَّرَ اللَّهُ بِهِ أَفئِدَةَ الَّذِينَ أَقْبَلُوا إِلَيْهِ وَ غَفَلُوا عَنْ ذِكْرِ مَا سِوَاهُ وَ قَرَّبَهُمْ إِلَىٰ مَنْظَرِ إِسْمِهِ الْعَظِيمِ وَ أَنْزَلْنَا مِنْهُ عَلَى الْقُبُورِ وَ هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ جَمَالَ اللَّهِ الْمُشْرِقِ الْمُنِيرِ . " (۸۰)

- ۱ - حضرت بهاء‌الله - كتاب منتخباتي از آثار حضرت بهاء‌اله - چاپ المان صفحه ۵۲ - اين مجموعه از اين پس بنام "منتخبات" مذکور ميگردد.
- ۲ - ايضا - صفحه ۲۹
- ۳ - حضرت بهاء‌الله - كتاب لئالي الحكمة - چاپ برزيل جلد سوم صفحه ۲۴
- ۴ - حضرت بهاء‌الله - "منتخبات" - صفحه ۶۹
- ۵ - ايضا - صفحه ۹۶
- ۶ - ايضا - صفحه ۱۲۲
- ۷ - ايضا - صفحه ۱۲۴
- ۸ - ايضا - صفحه ۱۲۴
- ۹ - ايضا - صفحه ۱۶۷
- ۱۰ - حضرت بهاء‌الله - كتاب مناجاة - چاپ دار النشر برزيل صفحه ۶۶ - اين كتاب از اين پس "مناجاة" خوانده ميشود.
- ۱۱ - "منتخبات" - صفحه ۲۸
- ۱۲ - حضرت بهاء‌الله - از مجموعه خطي .
- ۱۳ - حضرت بهاء‌الله - كتاب "مناجاة" - صفحه ۱۶۴
- ۱۴ - حضرت بهاء‌الله - كتاب ادعية مباركه چاپ دارالنشر برزيل صفحه ۱۰۸ - حضرت عبدالجبهاء در اين زمينه چنين ميفرمايند قوله الاحلى " پروردگارا آمرزگارا چگونه زبان بستايشت گشاييم و پرستش نمايم . تقرير عين تقصير است و تحرير دليل ناداني در اين امر عسير. زبان التيسر مركب از عناصر صوت و بيان و عَرَضِيست از عوارض. بآلت عنصرى و صوت عارضى چگونه توان نعت و ستايش حضرت بيچون گفت. آنچه گويم و جويم از مُدركات عالم انسانى است و در تحت احاطه عالم بشرى. نتايج فكريه چگونه بمعارج الهيه رسد و عنكبوت اوهام چگونه بلعاب ظنون و اوهام بر رفرق تقديس نُنَد. جز بيان عجز چاره اى نه و بغير از اعتراف بقصور بهانه اى نيست. تو غني متعالى و مقدس از ادراك عقول اهل كمال . ع ع (انتهى)
- ۱۵ - حضرت بهاء‌الله - "مناجاة" - صفحه ۹۸
- ۱۶ - ايضا - صفحه ۱۱۰

- ۱۷ - حضرت بهاء الله - كتاب نفحات الرحمن - خط زين المقربين - چاپ برزيل صفحه ۲۲۲ - اين كتاب از اين پس " نفحات " مذکور ميگردد.
- ۱۸ - ايضا - صفحه ۲۱۹
- ۱۹ - ايضا - صفحه ۲۱۷
- ۲۰ - ايضا - صفحه ۱۷۹
- ۲۱ - ايضا - صفحه ۱۷۲
- ۲۲ - ايضا - صفحه ۱۴۴
- ۲۳ - ايضا - صفحه ۱۲۵
- ۲۴ - ايضا - صفحه ۲۲
- ۲۵ - ايضا - صفحه ۲۳۴
- ۲۶ - ايضا - صفحه ۱۲۹
- ۲۷ - حضرت بهاء الله - مجموعه مناجاتهاي اثار قلم اعلى چاپ ايران جلد دوم صفحه ۹۷ - اين كتاب از اين پس بنام " مجموعه " خوانده ميشود.
- ۲۸ - ايضا - صفحه ۸۷
- ۲۹ - ايضا - صفحه ۲۹
- ۳۰ - ايضا - صفحه ۱۲۱ - ۲۱ - ايضا - صفحه ۱۰۴ - ۲۲ - حضرت بهاء الله - كتاب چ مناچاة " صفحه ۱۱۲
- ۳۲ - حضرت بهاء الله - كتاب " نفحات " صفحه ۲۰۶
- ۳۴ - ايضا - صفحه ۲۳۹
- ۳۵ - ايضا - صفحه ۲۲۶
- ۳۶ - حضرت بهاء الله - كتاب " مجموعه " صفحه ۹۳
- ۳۷ - حضرت بهاء الله - كتاب " نفحات " صفحه ۲۳۱
- ۳۸ - حضرت بهاء الله - كتاب " مناچاة " صفحه ۱۴۲
- ۳۹ - ايضا - صفحه ۱۴۷
- ۴۰ - حضرت بهاء الله كتاب " مناچاة " صفحه ۱۷۱
- ۴۱ - ايضا - صفحه ۷
- ۴۲ - حضرت بهاء الله - كتاب " مجموعه " صفحه ۱۲۴
- ۴۳ - ايضا - صفحه ۱۱۹
- ۴۴ - ايضا - صفحه ۹۶
- ۴۵ - ايضا - صفحه ۹۲
- ۴۶ - حضرت بهاء الله - كتاب " نفحات " صفحه ۱۶
- ۴۷ - حضرت بهاء الله - كتاب " مجموعه " صفحه ۲۶
- ۴۸ - حضرت بهاء الله - اذكار المقربين جلد اول صفحه ۲۴

- ۴۹ - ایضا - صفحه ۹۱
- ۵۰ - حضرت بهاء الله - کتاب " مناجاة " - صفحه ۲۲۰
- ۵۱ - حضرت عبدالبهاء - مجموعه مناجات چاپ پاکستان صفحه ۹
- ۵۲ - ایضا - صفحه ۴۲
- ۵۳ - حضرت بهاء الله - کتاب " مناجاة " - صفحه ۱۰۱
- ۵۴ - حضرت بهاء الله - کتاب " مجموعه " - صفحه ۱۷
- ۵۵ - ایضا - صفحه ۲۷
- ۵۶ - حضرت بهاء الله - کتاب " مناجاة " - صفحه ۴۵
- ۵۷ - حضرت بهاء الله - کتاب اذکار المقربین - چاپ ایران - جلد اول صفحه ۲۲
- ۵۸ - حضرت بهاء الله - کتاب " مناجاة " - صفحه ۶۸
- ۵۹ - حضرت بهاء الله - کتاب " مجموعه " - صفحه ۲۱
- ۶۰ - حضرت بهاء الله - کتاب " مناجاة " - صفحه ۴۵
- ۶۱ - حضرت بهاء الله - لوح ابن ذنب - چاپ المان صفحه ۶۹
- ۶۲ - حضرت بهاء الله - کتاب " مناجاة " - صفحه ۲۷
- ۶۳ - ایضا - صفحه ۱۶۹
- ۶۴ - ایضا - صفحه ۱۰۲
- ۶۵ - ایضا - صفحه ۱۵۵
- ۶۶ - ایضا - صفحه ۱۵ - (در لوح ابن ابهر که در کتاب مائده اسمانی جلد ۵ صفحه ۲۶ مندرج است چنین میفرماید قوله العزیز: " از امتحانات هیجوقت محزون مگردید زیرا امتحان و افتتان حصاد اشرار و سبب ظهور کمالات ابرار است . لهذا باید بسیار ممنون و خوشنود بود چه که مقصد از ظهور نور مبین تربیت نفوس مبارکه است و این جز بامتحانات الهیه ممکن نه. اگر امتحانات الهیه نبود ابداء نفوس تربیت نمیشدند بلکه جمیع مستغرق بحر هوی و هوس میماندند چون شادان بیمان آمد نفوس منقطع گردند و منجذب بحق و متوجه الی الله و متخلق باوصاف رحمانی و مستمد از فیوضات اسمانی شوند. " در لوح عشق آباد که در همان کتاب و در همان صفحه ۲۶ مندرجست میفرماید قوله الحکیم: " بسر خوان رنگین و شهد انگبین و باده خلأر و جام سرشار هرکس بنده پروردگان است. عبودیت حق در زیر اغلال و زنجیر و تیر و شمشیر ثابت و محقق میشود. ")
- ۶۷ - ایضا - صفحه های ۹۸ - ۱۰۰
- ۶۸ - ایضا - صفحه ۱۴۱
- ۶۹ - ایضا صفحه ۱۵۲
- ۷۰ - ایضا صفحه ۹۴
- ۷۱ - حضرت بهاء الله - لوح خطی نُصَدَّر به "الاتقدس الابهی" ای امة الله اگر از منزل پرسى ...
- ۷۲ - حضرت بهاء الله - کتاب اشراقات - چاپ مصر صفحه ۱۱

- ۷۲ - حضرت بهاء الله - کتاب "مناجاة" - صفحه ۱۲۹
 ۷۴ - ایضا - صفحه ۱۲۸
 ۷۵ - حضرت عبدالبهاء - کتاب مائده آسمانی جلد پنجم صفحه ۲۵۵ - لوح آقامحمد رضا شیرازی
 ۷۶ - ایضا - صفحه ۲۶۲
 ۷۷ - ایضا - حضرت عبدالبهاء - مکاتیب جلد هشتم صفحه ۲۱۷
 ۷۸ - حضرت بهاء الله - کتاب مجموعه الواح سمندر-چاپ ایران صفحه شماره ۱۵۸
 ۷۹ - حضرت بهاء الله - کتاب آثار قلم اعلى جلد ۴ صفحه ۱۷۹ - چاپ ایران
 ۸۰ - حضرت بهاء الله - مجموعه الواح چاپ مصر - لوح رئیس - صفحه ۸۷

« ای پروردگار آرزوی این بنده درگاه آن است که یاران باختر را بینم دست در آغوش دوستان خاور نموده اند ... » (از مناجات حضرت عبدالبهاء)



فایندگان قبائل وملل بالباس های محلی درکنگره نیویورک